

کتاب دو زبانهٔ بهترین اشعار والت ویتمن که چهل و یک سال پیش (سال ۱۳۳۸) به چاپ رسید، سال گذشته به همت انتشارات مروارید پیراسته و تجدید چاپ شد (گزیدهٔ اشعار والت ویتمن، ترجمه دکتر سیروس پرهام، تهران، ۱۳۷۹). افسوس که در این مدت دراز، به رغم کاستیها و ناهمواریهایی که کمتر ترجمه‌ای از آنها خالی است، این اثر چنانکه باید مورد نقد و بررسی و موشکافی اهل فن قرار نگرفت، و به تبع آن مترجم کتاب در ویرایش و آماده‌سازی کتاب برای چاپ دوم اندوخته‌ای نداشت مگر تجربه‌ها و آموخته‌های چهل سالهٔ خود. نوشته‌ای که در پی می‌آید گواه آن است که حتی اندوخته‌های چهل سالهٔ شخص مترجم کافی نیست که ترجمه‌ای به کمال مطلوب برسد و جای حرف نباشد.

نوشتهٔ زیر، که نمونه‌وار از یادداشتها و حاشیه‌نویسی‌های موشکافانهٔ آقای هاشم حسینی بر چاپ دوم کتاب فراهم آمده است^۱، هم برای به کمال نزدیک آوردن چاپ

۱- آقای حسینی یادداشتهای خود را ضمن نامه‌ای از اهواز (توسط ناشر محترم و بدون نشانی خود) برای اینجانب فرستاده‌اند که از ایشان به نهایت سپاسگزارم و از اینکه نتوانستم برای تنظیم و به چاپ سپردن نوشتهٔ ایشان کسب اجازه کنم بوزش می‌خواهم.

بعدی کتاب پرفایده است، هم برای مترجمان و اهل قلم، و هم برای خوانندگانی که به اینگونه مباحث علاقه‌مندند.

هر جا که اظهار نظر یا توضیحی ضرورت داشته، در داخل کمانک‌ها با حروف ریز افزوده شده و هر جا که آقای حسینی پیشنهاد خود را با علامت استفهام آورده‌اند و نگارنده این سطور نیز به پاسخ یا نظر قاطع دست نیافته همان علامت در کمانک‌ها تکرار شده است.

پارسی برگردان شعرهای ویتمن در این کتاب، زیبا و شگفت و با دستاوردهایی مانا و تکان دهنده جریان دارد. اما شتابی ناشکیبا به کاستی‌ها و کمبودهایی انجامیده است، بدین شرح: ص ۳۰. «گل‌های سرخ... و نغمه پرنده» (red morning - glories ... and the song of phoebe bird) ظاهراً چنین باید باشد:

سرخگون نیلوفرهای پیچ... و نغمه‌خوانی مرغ مگس خوار. [مورد اول درست و بجا و مورد دوم اندکی محل تأمل است].

ص ۳۲. «و پیرمرد می‌گساری که دیر وقت از خلوتگاه میخانه برمی‌خاست و تلوتلو خوران به خانه می‌رفت...» (... whence he had lately risen) باید گفته می‌شد: ... از آنجا که پیشتر بپاخاسته بود...

[مترجم کتاب، برگردان پیشنهاد شده را دشوار می‌یابد؛ تا خوانندگان هوشمند چه پسندند.]

ص ۳۴. «توده مه» (mist) را که برای آن تنگ مه آورده‌اند و من مه غبار را می‌پسندم. [پسندیده است.]

ص ۳۶. «کنار افق» (horizon's edge)

آیا لبه افق بهتر نمی‌بود؟

[بهتر که هست؛ هر چند که «لبه» مستلزم وجود شیء است که «افق» نیست. شاید کناره افق یا حاشیه افق بهتر باشد. به احتمالی، در اصل همان کناره بوده و حرف «ه» افتاده است.]

ص ۴۰. «سلام به دنیا!»

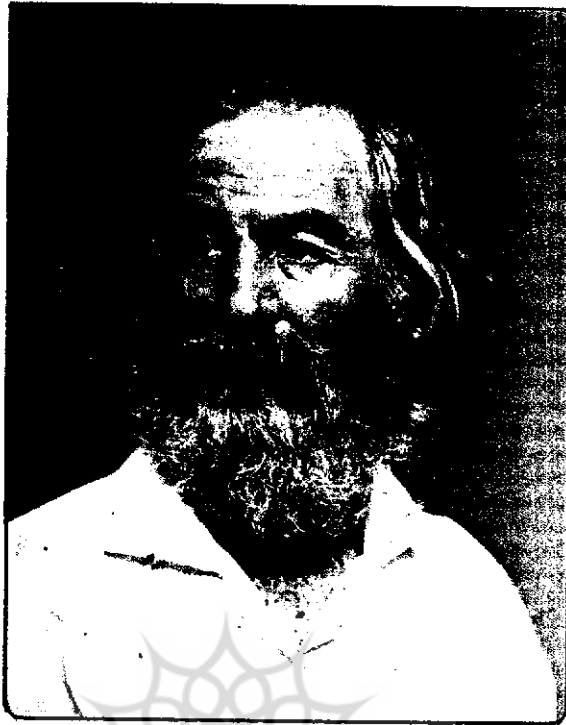
آیا درود بر دنیا! بار معنای شعری ژرف‌تری نمی‌یابد؟

- «مساکن» (dwellings)

آیا سکونتگاهها پارسی‌تر نیست؟

- «چنین منظره‌ها و صداهایی!» (Such Sights and Sounds) با توجه به آهنگ حرف S، آیا برابر

نهاد «چنین صحنه‌ها و صداهایی» رساتر نیست؟



[در هر سه مورد، نظر صائب است.]

ص ۴۲. - «آواز مرد کارگر و همسر مرد دهقان را می شنوم»

(I hear the workman singing and the farmer's wife singing.)

ابهام زاست و رسانندهٔ پیام شاعر نیست. بهتر است گفته شود: مرد کارگر را که به آواز خواندن است و همسر کشاورز را به ترنم....

[عبارت البته ابتر و ناتمام است و همچنان ابهام زار. اگر هم عبارت را با «می شنوم» تمام کنیم فرقی نمی کند.]

- «کاستانت‌ها» فاشقکها؟

ص ۴۴. - «زمزمهٔ دعای کیشیشان را در محراب کلیساها می شنوم»

زمزمه زائد است.

- «بانگ مؤذن» باید «بانگ مؤذن عرب» باشد.

[علاوه بر لفظ عرب، لفظ مسجد هم باید پس از «مناره» می آمد.]

ص ۴۷. - در مصرع: «Who are they who salute, and that one after another salute you?»

بنا به متن زیر که در دست من است:

Leaves of Grass, W. W. Norton and Company, Inc. 1973

واژهٔ who (دومی) نادرست است و باید به جای آن you گذاشته شود و ترجمه به این صورت در

آید:

کیانند آنان که درودشان می‌گویی و هر یک یکان یکان سلامت می‌کنند؟

- «چادر نشینان» (nomads) = کوچروان [با: کوچ نشینان.]

ص. ۵۰. «خطوط آهن» (tracks of the railroads). در این مصراع «tracks» نادیده گرفته شده است.

ص ۵۴. - «فضای آسمانی» برای «celestial sphere» گنگ و نارسا است. [ملکوت؟ عرش؟]

- «میدانهای جنگ» (battle - fields) = رزمگاهها.

ص ۶۰. - به جای «من واقعاً پاریسی‌ام» (I am a real Parisian) پیشنهاد می‌شود: من یک پاریسی اصیلم.

- «بخارهایی را می‌بینم که از خطه‌های بکر نامشکوف برمی‌خیزد»

(I see vapors exhaling from unexplored countries)

بجای «برمی‌خیزد» بهتر نیست گفته شود بیرون می‌زند؟ [؟]

ص ۶۲. «برده فروشان» (Slave - makers) = برده‌داران؟ [جای تأمل است، چون «برده‌داری» نظامی است برخاسته از به اسارت در آوردن و خرید و فروش بردگان.]

ص ۶۶. - «... که سواره می‌تازی...» (...at full - speed in the saddle...)? [؟. برگردان بهتر چیست؟]

- «تو ای زائر کوفته پا...» (You foot - worn pilgrim) پای پر آبله.

[؟ برابر نهاده بهتر و زیباتر «پای سوده» است که در متون کهن آمده است.]

ص ۶۸. - «هر یک از ما بی‌حدومر است» (Each of us limitless) آیا تنگنا ناپذیر روا نیست؟ [؟]

- در این مصراع: «Each of us here as divinely as any is here.»

واژه here در ترجمه نیامده است.

ص ۶۹. «Health to you» ترجمه نشده است.

ص ۷۲. «دست فراداشته» (the perpendicular hand) دست در اهتزاز؟ [؟]

ص ۸۶. «تابونی که شب و روز از کوچه‌ها و خیابانها می‌گذرد»

(Coffin that passes through lanes and Streets, through day and night)

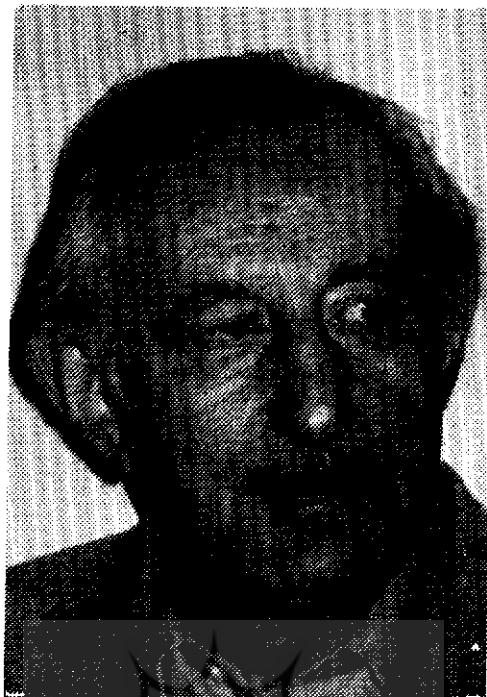
تابوتی که می‌گذرد از میان کوچه‌ها و خیابانها از میان شب و روز. [؟] [در این شعر واژه

«lilacs» گلهای یاس خوانده شده که درست نیست و باید یاسهای کبود باشد.]

ص ۸۸. «پس از راهروی من» (Since I walk'd) پس از پیشروی / گذشتن من.

ص ۱۱۶. «سرشار از مردی و زنی و کودکی.» (...full of manhood, womanhood, infancy.)

سرشار از مردیت، زنیت، طفولیت. [؟]



ص ۲۳۴. «نشسته‌ام و می‌نگرم» (I sit and look out) «look out» مفهوم مراقبت و نظاره‌گری دور و بر را دارد که با «می‌نگرم» نارسا می‌گردد. [۹]

ص ۲۳۸. - «پس از خواندن هگل» (After reading Hegel) پس از خواندن فلسفه هگل؟ [۹]
- «جهان» (universe)

جهان هستی، کائنات؟ [۹]

- «نیکی» (Good) و «بدی» (Evil)

خیر و شر؟ [۹]

ص ۲۵۳. «از مسافران یک تن هم زنده بر آب نیامده است»

(not one of the company is wash'd to us alive)

... زنده بدینسو نیاورده است آب.

ص ۲۶۲. «با عشقی بی‌پایان» (with measureless love) با مهری بی‌کرانه (بی‌حد) هم درست‌تر

است هم زیباتر. [با مهری بی‌کران]

در خاتمه، در بیشتر موارد برای seaman, mariner, sailman «ملاح» برابر گذاشته و اثر معنایی

جاشو و دریانورد و ملوان نادیده گرفته شده است.

